



جریکهای فدائی خلق ایران

# I. S. A. Denton

## مقدمه

جزوه "شعارهای ما" کوششی است در جهت توضیح جامع شعارهای سازمانی ما واهد افسی که این شعارها در این مرحله دنبال می کنند. در این جزوه همچنین به برداشتی نادریست از شعار پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها. برخورد شد بود مورد مساله "ولایت فقیه" از دیدگاه تئوری م. م توضیح داده شده است. ضرورت این بحث از این نظر است که اولاد طیف وسیعی از جنبش کمونیستی در مخالفت با تئوری مبارزه

مسلحانه، به تدریف شعارهای ماپرد اختهوازااین  
 نظرمینه ای فراهم می نمایند تا نشان دهند که  
 تئوری مبارزه مسلحانه غیرعلمی و غیرمارکسیستی  
 است و علاوه برآن و مهمتر از همه، وجود برخی از  
 اشتباهی ناد رست در رون طیف معتقد یمن  
 به مبارزه مسلحانه است که سرورت این بحث را بوجود  
 آورد هاست. هستند کسانی که در لباس دفاع از تئوری  
 مبارزه مسلحانه، در رکی مسخ شد ه از مبارزه طبقاتی،  
 و با طرح شعارهای کلی، و باقی ماندن در حوزة  
 تجرید است که در حقیقت سدی در راه تکامل ایمن  
 تئوری فراهم میسازند. از این نظر سازمان ما برای  
 جلوگیری از برد اشتباهی ناد رست از شعارهای ما  
 و برای نشان دادن کاربرد وسیع و عملی این شعارها  
 و برای جلوگیری از دید محدود نسبت باین شعارها

اقدام به توضیح در اطراف شعارهای سازمانی  
نموده باشد که این اقدام زمینهای برای پیشبرد  
کارهای علمی رفقای سازمانی و هواداران مائرد.

بسیار ایمان بهمیروزی راهمان  
چریکهای فدائی خلق ایران

شعارهای ماد در هر مرحله از یک سو منعکس کنند و در یک ما از وضعیت جامعه در آن مرحله، نیروهای درگیر مبارزه در آن مرحله و صف آرائی آنها در مقابل یکدیگر و از سوی دیگر نشان دهند و خط مشی مبارزاتی است که ماد را در این مرحله در پیش میگیریم و مطابق آن خط مشی به سازماندهی میپردازیم هرچه شعارهای ما روشن تر باشد کار مبارزاتی ما آسانتر و تبلیغ خط مشیمان سهلتر میباید و لسانی روشنی شعارها زائید و سرحاحات و وقت تحلیلپائی که این شعارها از آن ناشی شده و هدفهای سیاسی است که این شعارها در صد و تامل آنها هستند و روشنی و سرحاحات شعارها را ایجاد میکند که در هر مرحله ما به شعارهای کلی اشیاء کند رسا سر آن مرحله ما را انداخته و اکتفا کنیم و با تعقیب هر

باصطلاح مرحله استراتژیک مبارزه و تحلیل مشخراً  
 از تحول اوضاع، بنابه اقتضای هدفهای استراتژیک  
 خود وظایف فوری و آنی خویش و هم چنین دیدگاهها  
 خود را در مورد این شرایط تحول، در شعارها پنهان  
 منعکس کنیم بدون آن شعارها، شعارهای باصطلاح  
 تاکتیکی، شعارهای استراتژیک، جنبه مشخص  
 و ملموس و عملی خود را از دست داده و قادر نخواهند  
 بود خط مشی مبارزاتی ما را در جنبش منعکس کنند •  
 اگر ما در شرایط مشخص به تکرار شعارهای کلیسی  
 اکتفا کنیم خود همین امر بهترین دلیل آنست که  
 حتی در کمی روشن از آن شعارهای کلی نداریم •  
 گاهی فقد آن تحلیل مشخص از شرایط مشخص  
 و فقد آن شعارهای تاکتیکی، چهره خود را پشت  
 رستهای بظواهر انقلابی پنهان میکند و هر چه صرف

مشخص راد مورد شرایط مشخص با شعارهای کلیسی  
 خود مقایسه میکنند و ظاهراً به حقارت و ناچیزی  
 این شعارهای تاکتیکی در مقابل عظمت شعارهای  
 استراتژیک خود حکم میدهند. ولی این کار از هر کسی  
 سریزند شایسته کمونیستها کهد رمکتب لنین د رس  
 مبارزه رامیآموزند نیست.

بهر حال برای ما ارائه شعارها چند رزمینه  
 استراتژیک و چه د رزمینه تاکتیکی و تشریح مبانی  
 و اصول و برد مبارزاتی این شعارها بویژه از اهمیت  
 برخوردار است با طرح این شعارها و قرارداد آنها  
 د مقابل شعارهای دیگران ما براحتی بسودها  
 امکان این رامیدهم که خط مشی انقلابی را از خط  
 مشی های فرمیت و سازشکار یا زشناسند و بسیاری  
 سازمان خود کادرها و هواداران آن جهت گیری

صحیح د ر امر مبارزه رامیسرمیمازیم • این شعارها  
 همچنین بماکمک میکند که د ر عمل د ر واقعیات روزمر  
 متوجه تحول اوضاع باشیم شعارهای مشخص ما  
 هرروز د ر پراتیک مبارزاتی خود ما و خلق ما به  
 پوته آزمایش گذاشته میشود و همین جریان عملی  
 زود ترا هرگونه تحلیل تئوریک، تحول اوضاع و تغییر  
 شرایط را باعث شد ار خواهد اد البته اینجا صحبت  
 از شعارهای سازمانی انقلابی است که با پراتیک  
 مبارزاتی خویش سعی د ر تحقق شعارهای خود  
 دارد •

ما د ر اینجا به چند شعاری که گمان میکنیم  
 سازمان ما باید د ر مرحله کنونی مطرح کند و نیسز  
 شعارهای تاکتیکی که فکر میکنیم د ر وضعیت و سز  
 کنونی طرح آنها با وظایف استراتژیک ما تطبیق



میکند ، میپرد ازیم و همین جا اضافه میکنیم که اینها  
 به هیچ وجه تنها شعارهایی نیست که بتوان داد .

مرگ بر امپریالیسم

وسگهای زنجیرالسیستم :

منظور ما از این شعار چیست؟ این شعار برای ما  
 معنای بسیار وسیعی دارد ما مبارزه ملی و همبستگی  
 انترناسیونالیستی این مبارزه را در این شعار  
 در عین حال ابراز میکنیم ما با این شعار همبستگی  
 مبارزه مملکتها و کشورهای تحت سلطه را با مبارزه  
 پرولتاریای کشورهای متروپل نشان میدهیم ،  
 ما نشان میدهیم که این د و مبارزه د سطح جهانی  
 بیک جریان تعلق دارند و ما هیتابه جریان سوسیال-  
 لیسم د جهان مرتبط اند هر د و برای برانداختن  
 امپریالیسم یعنی عالیترین شکل تکامل سرمایه

داری میکوشند این شعار در عین حال در نظر  
 میگیرد که امپریالیسم برای حفظ و بقای خود اینجا  
 و آنجا نوکران خود را میگذارد، اینجا و آنجا و به ظاهر  
 به آنها اختیاراتی تفویض میکند در حالی که آنها  
 جز عروسک‌هایی در دست امپریالیسم نیستند ما  
 باین ترتیب میبایست سیاست نواستعماری را که  
 امپریالیسم در پیش گرفته افشا کنیم و نشان  
 میدهیم که این دیکتاتورهای پوشالی که هر روز در  
 گوشه‌های سریر می‌ارند و میدانداری میکنند ایمن  
 بوکاساها، عیدی امین‌ها، پینوشه‌ها، نکودین‌ها،  
 آریامهرها و خمینی‌ها که به ظاهر قدرت مینمایند  
 و هنگام سخن گفتن خود را به حد خدائی بالا می‌برند  
 جز سرسپردگان حقیری در درگاه امپریالیسم نیستند  
 که سیاست نواستعماری امپریالیسم آنها را به مرید مکنی

وگذازه کوشی واداشته است این هشیاری بپاکمیک  
 میکند که در محاسبات خود اشتباه نکنیم سکهای زنجیری  
 را با اربابان امپریالیستشان اشتباه نگیریم خود را  
 صرفاً بعد رگیری با سکهای زنجیری مشغول نکنیم  
 تا اربابان آنها به هرگونه که میخواهند قدرت مانور  
 داشته باشند .

بیک معنا ما در این شعار آوان سوسیالیسم را  
 با هدف استقلال طلبانه مبارزه ملی خویش و بسا  
 آگاهی مارکسیستی خویش میامیزیم بدون این شعار  
 کلی ، بدون این چهارچوبه ، شعارهای بعدی  
 مانمیتوانند صحت واقعی خود را بیابند .

مـــرگ بـــر حاکمیت  
 اـــمپریالیسم :

ما با این شعار مسئله اصلی انقلاب یعنی

قدرت دولتی و منشأ اصلی آن را نشان میدهد. ما با این شعار بیان میکنیم که قدرت حاکم در کشور ما از آن نیروی ملی نیست بلکه از آن امپریالیسم است که بر اقتصاد و سیاست جامعه تسلط کامل دارد و قدرت واقعی دولت از این سلطه ناشی میشود. در رابطه با این شعار ما شعار مشخص "مرگ بر رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی" را می‌دهیم و منظورمان از این شعار مبارزه با حاکمیت امپریالیستی در شکل مشخص اعمال آن و در زمان حاضر است و با حاکمیت امپریالیستی بطور مجرد نمیتوان مبارزه کرد این حاکمیت خود را در اشکال مشخص با ( رژیم سلطنتی، رژیم جمهوری اسلامی و غیره) متجلی می‌سازد و ما با مبارزه با این رژیم‌ها در عین حال در نظر داریم که این رژیم‌ها قائم به ذات

نبود و هستی خود را از وابستگی و حمایت امپریالیسم  
 دارند ما هرگز شعارهای نظیر مرگ بر رژیم جمهوری  
 اسلامی و متحد و تراز آن مرگ بر رژیم خمینی را نمی  
 پذیریم چرا که این شعارها وابستگی این رژیم را به  
 امپریالیسم نادیده میگیرند و با مبارزه بر علیه  
 دارد ستمبظا هر حاکم مبارزه بر علیه امپریالیسم را که  
 این دارد ستمها قدرت خود را از او دارند از یاد می  
 ببرند .

و باز در همین رابطه ما شعار بیچاره و دست  
مرگ بر رژیم خمینی  
زنجیبری امپریالیسم را  
 مطرح میکنیم و این نیاز لحاظ قدرت مادی است  
 که در دست خمینی متمرکز است به هیچوجه چنین  
 نیست به نظر ما خمینی شخصا "هیچگونه نظارت و

رهبری قابل اعتنائی برماشین د ولتی کنونی اعمال  
نمیکنند ولی امپریالیسم از نام اوحد اکثر استفاد را  
مینماید . خمینی د رنظرتود مها سبیل خیانت تلقی  
میشود او که مانند تمام خیانیکاران تاریخ زمانی بسر  
دوش تود مها بود امروز مورد نفرت بسیار شد بد آنهاست  
تود مها آشکارا می بینند که شخص خمینی به آنها  
د روحهای بزرگی گفته است از طرف د پگرا امپریالیسم  
قبل از سقوط شاه سعی بسیار کرد تا با اتکا بنام  
خمینی از گسترش دامنه نهضت خلق جلوگیری کند  
پس از سرنگونی شاه طناسعی کرد بنام خمینی این  
نهضت را بطور قطعی سرکوب نماید . پس این شعار  
نام خمینی را به دلیل تحلیل مشخص از نقش این  
فرد ، د رخود د ارد ولی د زمین حال مراقب است  
که مباد نیروی مستقلی برای اوقائل شود نیروی



مبارزه ضد امپریالیستی بدون رهبری طبقه کارگر  
 به پیروزی نهائی نمی رسد د جمهوری د مکراتیك  
 خلق رهبری و هژمونی باپرولتاریا است برای ما  
 جمهوری د مکراتیك خلق، د مکراسی نوین، جمهوری  
 د مکراتیك نوین معنای یکسانی دارند و همه نشان  
 د هند و حاکمیت خلق بر رهبری طبقه کارگرند .

پیشر به سوی سازماندهی  
 مسلح توده ها،  
 زند میسجاد میساززه مسلحانه  
 کسسه تنهساراه رسیدن  
 به آزادی است، بسایید در  
 جریسان میسازات تسووما  
 د رهشکسل وسطیحی که  
 باشد، قرارگرفت و آنرا





د رمورد شرکت د ر مبارزات تود مهاوسازماند هی  
 این مبارزات، ما مخصوصاً باید مراقب باشیم کسه  
 اگر د نیاله روی از مبارزه تود مهاد راین زمینـــه  
 شایسته کمونیستنهان نیست ولنتاریسم بطور کلی بیپوده  
 وبی اثر است. شعارهائی کد ر رابطه با مبارزات  
 تود مها باید کاملاً با توجه به شرایط مشخص و سطح  
 تکامل این مبارزه و چگونگی آن طرح کرد لذا د راین  
 زمینه بیشتر از هر زمینه یگری باید به طرح شعارهای  
 مشخص و اجتناب از شعارهای کلی پرداخت. د ر  
 مبارزات تود مهان میتوان شکل معینی را از پیشش  
 تعیین و تبلیغ نمود جریان خود این مبارزه است  
 کمنشان مید هد بهترین شکل مبارزه ای را کسه  
 میتوان د ر اینجا طرح و تبلیغ نمود چیست. گاهی  
 اوقات این توجه به سطح مبارزات تود مهان را

بعنوان "دنباله روی از جریان خود بخودی" مورد  
 انتقاد قرار میدهند این انتقاد از ولنتاریسمی لجام  
 گسیخته سرچشمه میگیرد که ابد ابد شرایط  
 تکامل مبارزات تودها را توجه ندارد. مثلاً توجه به  
 همین پیدایش شعار تشکیل شوراها در انقلاب روس  
 بخوبی میتواند به ما نشان دهد که چگونه در  
 مبارزات تودهای خود تودها را همسایه پیشاهنگ  
 شان برای طرح شعارها میشوند. ما تودها را همسایه  
 بینیم که در جریان حیزیش خود بخودی خود دست  
 به تشکیل نوعی از شوراها میزنند و انقلابیون را  
 می بینیم که با توجه باین سطح از مبارزات تودها  
 شعار شوراها را با محتوای انقلابی به پرچم مبارزاتی  
 تبدیل میکنند و تشکیل شوراها را از امری خود بخودی  
 هراکند. مویا ایدهای رفرمیستی به جریانی انقلابی

و سازمان یافته بدل مینمایند چنین نیست که  
 انقلابیون از پیش با شعار تشکیل شوراهای  
 کشیده باشند و تودها برای تحقق این شعار  
 بپاخیزند این تجربه انقلاب روس را میتوان در تمام  
 تجربیات مبارزات تودهای دیگر انقلابی در میان  
 تودها این نیست که بینیم انقلابیترین شعاری  
 که میتوانیم بدهیم چیست؟ بلکه اینست که بینیم  
 انقلابیترین شعاری که میتوان با توجه به سطح ویژه  
 مبارزات تودها و شرایط مشخص داد و آنها را برای  
 تحقق آن بسیج کرد چیست؟

پیشتر بسوی سازماندهی  
 مسلح تودها  
 شعار پیش بسوی سازماندهی مسلح تودها  
 تشکیل هسته‌های مسلح کارگری و غیره انتقاد شد

است که گویا این شعارها منعکس کنند • تاکتیک  
 "دفاع از خود مسلحانه" است، بخصوص باستناد  
 به یکی د جمله از صاحب رفیق اشرف نظیر اینکه  
 "هرجا به خلق حمله شود، ما مقاومت خلق را سازگار  
 می دهیم" و یا اینکه "امپریالیسم در زمین انقلاب  
 ماست" ادعا میشود که گویا مقصد داشته ایم که  
 حد اکثر استفاده از تاکتیک دفاع از خود مسلحانه  
 به تسلیح مردم ببرد از بیست و ...

کسانی که این گونه انتقاد می کنند، معمولاً بجهت  
 یک کار دست نمی زنند و همین امر باعث میشود که  
 انتقاد آنها برای شنوندگان با خوانندگان خالی از ذهن  
 منطقی جلوه کند • بسیار طبیعی است شعار فسط  
 سازماندهی است و عمل مسلحانه مشروط بانست  
 که دشمن حمله کند، پس این همان تاکتیک دفاع

از خود مسلحانه است. ولی آنچه را که این افراد  
 توضیح نمی دهند، آنست که آیا واقعا "تاکتیک دفاع  
 از خود مسلحانه چیست؟ گاهی سر بسته ما را بست  
 کتاب انقلاب در انقلاب بره در این مورد مراجعه  
 می دهند و ما از قضا این کار را کرد ما می بینیم کتاب بره  
 رجوع کرد بود بد ما می که در بره تاکتیک خاصی تاکتیک  
 دفاع از خود مسلحانه میگوید که عنصر اساسی آن  
 عبارتند از اشغال یک منطقه دهقانی یا کارگری و  
 آزاد کردن آن از دست دشمن تسلیم توده های  
 کارگری یا دهقانی بدون تشکیل یک ارگان جنگی  
 خاص و یا لاخره نشستن در انتظار حمله دشمن پس  
 این منطقه اقدام بعد دفاع در مقابل این حمله  
 در حد همین منطقه، اینست تاکتیک دفاع از خود  
 مسلحانه مثلا آنچه که بره می فهمد و بنا به گفته

د بره همین تاکتیک از طرف ترولسکیست های امریکای  
 لاتین مخصوصاً زیاد بکار برده میشود ، ولی آیا این  
 تاکتیک شباهتی باشعار کلی پیش بسوی سازماندهی  
 مسلح تود مه داد ، که از طرف سازمان ماسطرح  
 شده ؟ آیا ما هرگز گفتیم این سازماندهی نباید بسه  
 تشکیل هسته ها و دسته های ویژه سیاسی و نظامی  
 منجر گردد که به هرگونه عملیات نظامی د ره ر کجا  
 قاد ریاشند ؟ آیا اگر گفتیم د ر مقابل حمله مقاومت را  
 سازمان مید هیم ، هرگز گفتیم این مقاومت رانسه  
 بوسیله نیروی سازمان یافته مسلحی کمتشکیل د اد تا  
 ود ر طی یک جنگ واقعی ، بلکه زنان و مردان وحتی  
 کود کان یک منطقه را مسلح کرد ، ، میگوئیم د ر مقابل  
 هجوم دشمن از منطقه خود د فاع کن د ر کجا مسا  
 چنین سخنی گفتیم ؟ آیا مکر ما مثلاً به جنبش مقاومت

کردستان به عنوان يك جنگ تمام عیار نمی نگریستیم؟  
 آیا حتی اگر قبول کنیم که این جنگ جنگی دفاعی  
 است، به معنای آنست که تاکتیک دفاع از خود مسلحان  
 در آن بکار میرود؟ به هیچ وجه چنین نیست و وجود  
 نیروهای پیشمرکه کافی است تا دیگر نتوان از تاکتیک  
 دفاع از خود مسلحانه صحبت کرد. البته در همین  
 کردستان یا همان طور که بر توضیح می دهد در  
 ویتنام و چین نیز مناطق آزاد شده، اغلب به وسیله  
 مردم مسلح حفاظت میشد و در صورت حمله دشمن  
 مرد وزن و کودك همه مسلحان به دفاع از منطقه خود  
 برمی خاستند، ولی به این دیگر نمیشد به معنای  
 واقعی کلمه تاکتیک دفاع از خود مسلحانه نگاه  
 نهاد. هر چند که تمامی خصوصیات آنرا داشت  
 وجود ارتش ویت مینه که بطور منظم جنگ را در رقبه ها



متحرك پيش مى برد ، مانع از آن مى شود كه ايسن  
 "دفاع از خود مسلحانه" را همان "تاكتيك دفاع از  
 خود مسلحانه" به معنای واقعى كلمه بدانيم .  
 حتى دفاعى بودن طبيعت جنگ مانع از آن  
 نمى شود كه جنگ با تمام تاكتيك هاى تعرضى و دفاعى  
 خویش جريان يابد . ولى اين تازه به آن معنى نيست  
 كه ما بر خصلت دفاعى مبارزه خویش تا كيد خاصى  
 داشته باشيم به هيچ وجه چنين نيست شعار پيش  
 بسوى سازماندهى مسلح تود ه ها نه بعنوان يك شعار  
 مجرد ، بلكه در چهار چوبه يك خط مشى معينى  
 در کنار شعارهاى اشتراكتريك ديگرى مطرح مى شوند  
 كه هرگونه توهمى را براى آنهاى كه مشخصاً نخواهند  
 خود را در چار توهم كنند ، در اين مورد از بين مى برد .  
 ماد ركنار شعار پيش بسوى سازماندهى مسلح تود ه ها

شعار "تنهاره رهائی جنگه مسلحانه" استرانیسز می نوشتیم. شعار "تنهاره رهائی پیوند با فدائی رانیسز می نوشتیم و کسی که این شعار را از آن چپها چوبه جد اگند میتواند، به هر شکل کبه بخواهد نتیجه گیری نماید. مخصوصاً از شباهت کلمات در این موارد بسیار میتوان سو استفاده کرد. ولسر همانطور که خود د پره د ریختر مربوط بمتاکتیک دفاع از خود مسلحانه نشان می دهد تاکتیک دفاع از خود مسلحانه ای که د رویتنام بکار می رفت، طبیعتاً با تاکتیک دفاع از خود مسلحانه ای که د امریکای لاتین توسط تروتسکیستها بکار می رفته، متفاوت بود. این تفاوت نه د ر کلمات و حتی نه د ر شیوه عمل کرد این د و تاکتیک، بلکه د وجود یک استراتژی کلی نهفته بود. د رویتنام ارتش ویژه ای تشکیل شد.

بود که قادر بود در هر عرصه‌ای نبرد کند و می‌کرد.  
 در امریکای لاتین تروتسکیست‌ها چنین ارتش‌سی را  
 ایجاد نمی‌کردند. این تفاوت استراتژیک باعث  
 میشد که تاکتیک دفاع از خود مسلحانه که از طرف هر  
 دو جریان بکار گرفته می‌شود، وضعیت کاملاً متفاوت  
 پیدا کند. بطور کلی هر شعار تاکتیکی را باید در رابطه  
 با استراتژی بررسی کرد و رفعاشی که یک شعار  
 تاکتیکی را از کل استراتژی جدا می‌کنند، و مورد انتقاد  
 قرار می‌دهند، کار خود را به هیچ‌جا نمی‌رسانند.  
 حتی امکان آنرا نمی‌یابند که مورد استناد خود را  
 باز کنند و تحلیل نمایند. آنها نمی‌خواهند نشان  
 دهند که تاکتیک دفاع از خود مسلحانه مورد  
 نظر در امریکای لاتین از طرف تروتسکیست‌ها  
 به‌مورد اجرا قرار می‌گیرد بر اساس درک آنها از قیام‌های

تسود های قرارداد ، در حالیکه مبارزه مسلحانه  
 مابا قبول جنگ تسود های طولانی استراتژی کاملاً  
 متفاوتی را مطرح می کند و حتی اگر در مواردی از تاکتیک های  
 صرفاً دفاعی استفاده کند ، باز هم آنها باید در رابطه  
 با این استراتژی مورد ارزیابی قرارداد و صحت و سقم  
 آنها نشان داد . نه آنکه بطور کلی بدلیل دفاعی  
 بودن آنها طرد نمود . وقتی کاریه جنگ کشید ، جنگ  
 با تعرض ، دفاع و عقب نشینی عجین است .

### ولایت فقیه :

پس از آنکه مدتها شاهد آن بودیم که  
 سازمانهای کمونیستی سعی میکردند با تحلیل های  
 به ظاهر مارکسیستی ریم کنونی را نمایند و اقشار  
 مختلف خرد و بورروازی ویا "کاست روحانیت" بسبب  
 دانند امروزه دیگر ورشکستگم ، اینگونه تحلیلها

بطور کلی آشکار شده است با عبارتی نظیر "رزیم  
 ولایت فقیه"، "رزیم خمینی" (با جلاد یا پی جلاد)  
 و غیره همچنان بمبرده بوشی ماهیت وابسته  
 امپریالیسم رژیم کنونی مشغولند، چنان سخن از  
 "رزیم ولایت فقیه" یا "رزیم خمینی" میگویند که  
 گویی نهاد مستقلی با ویژگی های معینی موجود است.  
 ولی آیا در واقع امر این "رزیم ولایت فقیه" چیست؟  
 و این "خمینی فقیه" واقعا مشغول حکومت برای  
 خود شو و "ولایت" خود شراست؟ القا چنین تصویری  
 به مردم زیان بسیاری نهضت ما وارد خواهد  
 ساخت اگر امروز از نظر تهییجی چنین عباراتی  
 بتواند اثراتی داشته باشد در ادامه مبارزه ضد  
 امپریالیستی مازمینه را برای انحرافات بزرگی آماده  
 میکند. "ولایت فقیه" در قانون اساسی ایران

فقط يك معنای سیاسی دارد و آن اینست که —  
 صراحتاً به مردم میگوید اراده شهادت مقابل رژیم —  
 موجود هیچ ارزشی ندارد و سخنی بالاتر از سخنی —  
 این رژیم نیست. ولایت فقیه حتی به عنوان قدر  
 يك نفرواز آن محدود ترحتی به معنای قدرت خمین  
 نیست. اصلی که د یکتاتوری امپریالیسم بر آن استوار  
 است. و در شرایطی که امپریالیسم برای حاکمیت  
 خود لفافه‌های دولوزیک مذهبی میتراشد، این اصل  
 به این صورت بیان میکند و اگر روزی این لفافه‌ها  
 دورانداخت آنرا به شکلی دیگری خواهد کرد و  
 شاید هم بدون آنکه به بیان آن به پردازد آن را  
 اعمال کند.

اصل ولایت فقیه به عنوان يك اصل حکومتی،  
 به صورتی که در قانون اساسی گنجانده شده.

سابقه تاریخی ای د ر مذهب شیعه مند ارد و ایسن مذهب چه آن زمان که بمعنوان مذهب مخالفین حکومت مطرح بود و چه زمانی که بمعنوان مذهب رسمی د ر کنار دولت قرار گرفت هرگز به ولایت فقیهه بمعنوان اساس حکومت نگاه نمیکرد. ولایت فقیهه د رمعنا ی بسیار محدود و در مورد تکالیف عبادی و تا حد معینی تکالیف مدنی اشخاص و لزوم اطاعتت افراد از فقیه د ر این زمینه ها تکیه میکرد و هرگز هیچیک از فقهای شیعه د ر طول تاریخ خواستار تنظیم حکومت بر اساس امر و نهی فقیه نبودند و هیچ جنبشی با این مضمون د ر تاریخ شیعه دید نشده است. حتی خمینی نیز د ر جنبش اخیر پنهین خواستنی را مطرح نکرد و "ولایت فقیه" را د ر مقابل حکومت شاه قرار داد. او د ر مقابل همواره تا "کید برآزادی مردم

و کنار رفتن خود از صحنه سیاست میکرد . اصل ولایت  
 فقیه نه شعار مبارزاتی خمینی بلکه بنیاد د یکتاتوری  
 بورژوازی وابسته است و به همین دلیل هم هست  
 که خمینی آنروزی که برد و شرمیلیونها مردم ایران قرار  
 داشت آنرا عنوان نکرد و هنگامی آنرا اعلام نمود کسیه  
 تصمیم خود را بر سر کوب نهضت مردم آشکارا کرد .  
 از آنچه بر سر شریعت مداری آمد به خوبی دیدیم  
 که هیچ حکومتی تا کنون در ایران و در سایر کشورهای  
 مسلمان با این وقاحت و صراحت اصل " ولایت فقیه "  
 را بمعنای مذهبی و متداول آن زیمران گذاشته  
 است . همان طور که امروز شاید همه قبول کنند کسیه  
 بحث بر سر حکومت " روحانیون " نبود و هرگز تا این  
 حد و با این شدت روحانیون در ایران تحت پیگرد  
 و آزار قرار نداشتند ( اگر چه ظاهراً از طرف بخش



دیگری از روحانیون باشد ( همانطور هم بایسد  
 گفت بحث بر سر اصل ولایت فقیه نیست و تا کنون هرگز  
 در ایران این اصل تا این حد پایمال منافع  
 حکومت وقت نبوده است .

ببا ایمان به پیروزی

راهمان

دی ماه ۱۳۶۱

I. S. A.  
 Denton

"ولایت فقیه" در قانون اساسی ایران فقط  
 يك معنای سیاسی دارد و آن اینست که صراحتاً  
 به مردم میگوید اراده و شمساد مقابل رژیم موجود  
 هیچ ارزشی ندارد و سخنی بالاتر از سخن ایمن  
 رژیم نیست. ولایت فقیه حتی به عنوان قدرت يك  
 نفرواز آن محدود ترحتی بمعنای قدرت خمینسی  
 نیست اصلی است که د پکتاتوری امپریالیسم بر  
 آن استوار است و در شرایطی که امپریالیسم برای  
 حاکمیت خود لفافه ایدئولوژیک مذہبی میتراشد،  
 این اصل را باین صورت بیان میکند و اگر روزی این  
 لفافه را بد و راند اخت آنرا بشکلی دیگر بیان خواهد  
 کرد و شاید هم بدون آنکه بمیان آن بپرد از آنرا  
 اعمال کند.

از انتشارات: چریکهای فدائی خلق ایران

نکتبروز: سازمان دانشجویی ( بهمن در آمریکا )  
 ( هوادار چریکهای فدائی خلق ایران )